۶۸۱۸

شرح نهج البلاغه فارسی

مؤلف: محمد صالح روغنی قزوینی از علماء امامیه سده ۱۱ هـ. ق

نسخه ناقص. خط نسخ و نستعلیق ۲۱ سطری عناوین شنگرف تاریخ تحریر ظاهرا در عصر مؤلف. نسخه برای مؤلف نوشته شده کاغذ الوان چهره ماتی دارای ۴۱۰ برگ اندازه ۲۸ × ۱۸

کتاب سنگنا بنام ملا صالح برغانی چاپ شده

الحال ادرتاک [illegible] و در این دو قرار دو تقدار [illegible]

[illegible] واستقفا و استقفار را [illegible]

[illegible]

سرای از [illegible] و جزء [illegible]

و در ۵۰ تومان [illegible] و ۵۰ من [illegible]

[illegible]

در اینجا موقع تفصیل نیست و الا در واقع [illegible]

[illegible] حقیقت

اعلام ایران حقوق [illegible]

۱۳۳۲ / ۳۹

... [illegible] ... حضرت علیه السلام ... [illegible] ... طائفه تقسیم کرده

[illegible] ... و توحید و استقامت

یکی عالم ربانیست یعنی [illegible] ... حضرت رب ... [illegible] ... معرفت و محبت

در شهود انوار جمال و جلال و تخلق به اخلاق الهی ... [illegible] ... و به تربیت رب الارباب ربانی شود

و منور به تجلیات رحمانی یعنی ... [illegible] ... ربانی و روحانی ... [illegible] ... گردد ... [illegible] ... علیهم السلام

[illegible] ... ربانیون ... [illegible] ... امور الدین

[illegible] ... طریق معارف ... [illegible] ... و لقاء عظمت ... [illegible]

کشیده و حجاب ... [illegible] ... پرواز ... [illegible] ... قدم

[illegible] ... و از لقای ... [illegible] ... قدم ... [illegible]

[illegible] ... اعلی ... [illegible] ... دقت ... [illegible] ... از این مقام ... [illegible]

[illegible] ... محمد و آل محمد علیهم السلام

[illegible] ... الحجب النوری ... [illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

[illegible] ... الارض ... [illegible] ... البحر ... [illegible]

[illegible] ... ظلمات الارض ... [illegible]

[illegible] ... پروردگار ... [illegible] ... یعنی ... [illegible]

[illegible] ... عظمت ... [illegible] ... مقام ... [illegible]

[illegible] ... اوصاف لطف

[illegible] ... عجز و مسکنت ... [illegible]

[illegible] ... افتقار و عجز و ضرورت ... [illegible]

ذکر حضرات ... [illegible] ... تضرع و زاری ... [illegible] ... افتقار و عجز و ضرورت ... [illegible]

[illegible] ... عبودیت ... [illegible]

[illegible] ... ظاهر ... [illegible] ... روح ... [illegible]

[illegible] ... نعمت ... [illegible] ... وصف ... [illegible]

[illegible] ... نعمت ... [illegible]

[illegible] ... مقام ... [illegible] ... عبودیت ... [illegible]

[illegible] ... ربوبیت ... [illegible] ... کشف ... [illegible]

[illegible] ... دعای ... [illegible] ... دعای ... [illegible]

[illegible] ... مناجات ... [illegible] ... زیارت ... [illegible]

[illegible] ... المحمود ... [illegible] ... حضرات ... [illegible] ... کلمات ... [illegible]

[illegible] ... حضرات

واین فتنه ارباب علم وکمال را بیشتر افتد که مردم ایشان را از روی جد واعتقاد بستایند
وبزرگ ومحترم دارند وآثار اعتقاد با محبت وثنای ایشان مقرون باشد وآن
موجب زیادتی تاثیر گردد وبرخلاف دیگر اکابر زمان که اگر مردم ایشان را بستایند غالبا
نه از روی اعتقاد ومحبت باشد چندان تاثیر نکند که فی الجمله معلوم باشد که آن محض
قولیست بزبان واعتقاد داخل وباطن نیست در میان مگر ماده بسیار قابل باشد
واین بلیه بزرگترین بلیتی باشد مردم را هرچند از عقلا وهوشمندان معدود گردند
وهرچند نقایص وعیوب خویش بچشم وعیان دانند وبینند چون کسی ایشان را
بستاید اول در شک افتند وبعد از آن بتکرر وتوارد وهم کنند وایشان را حالتی
همچو حال آنکس که از آن نقایص وعیوب بری باشد وبکمالات معجب ومغرور حاصل
گردد واز غرور آن مستی از حال خود بیخبر گردند وتدارک قصور ننمایند ازین روی
مرویست من مدحک فقد ذبحک ودر روایتی خواندم که شخصی نزد حضرت رسول
مدح کسی میکرد ودر آن افراط نمود آنحضرت را خوش نیامد ودر رد او کلامی گفت در
آن جمله فرمود لو سمع بهذا لن یفلح ابدا اگر او این بشنود هرگز رستگاری نیابد
وضعفاء العقول وناقص بصیرتان را خود ستایش مردم زهر قاتل وسم هلاهل
باشد مولانا گوید هر کرا مردم سجودی میکنند زهر اندر جان او می‌آکنند
چونکه بر زهر نوشد مدبری از طرب یکدم بجنباند سری بعد یکدم زهر در جانش فتد
زهر در جانش کند داد وستد الی آخرها در حکایت خوانده باشی که شخصی خری پیر لاغر
پشت ریش ناتوان ضعیفتر از حمارقیان ببازار آورد تا بفروشد دلال زبان
بمدح وتوصیف او بگشاد واز کمال وجمال آن خر چندان تعریف داد که صاحب
خر دکان ودر شک افتاد آهسته در گوش دلال گفت اگر خر من باین اوصاف
که تو میگوئی متصفست دریغ آیدم که او را بفروشم که من همه عمر در طلب چنین خر

میکردم